

## ابعاد و لایه‌های خدمات اجتماعی

### از دیدگاه و سیره معصومان علیهم‌السلام

زهرا زارعی<sup>۱</sup>

#### چکیده

قرآن کریم و روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام، ما را به الگوگیری و اسوه قراردادن رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام توصیه کرده‌اند. بررسی زندگی اولیای الهی نشان می‌دهد که سیره آن حضرات در ابعاد مختلف می‌تواند الگوی برتر و دارای منافع و مصالح گسترده‌تری باشد. یکی از ابعاد سیره، توجه معصومان علیهم‌السلام به ارائه خدمات اجتماعی متنوع و متعدد در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه بود. در سیره آن بزرگواران، هم توصیه به انجام امور خیر و نافع برای عامه وجود دارد و هم اهتمام عملی به آن. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت آن حضرت، در خصوص نیاز جامعه اسلامی به خدمات اجتماعی چگونه عمل می‌کرده و چه توصیه‌هایی دارند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سیره معصومان علیهم‌السلام، کمک به رفع نیاز و حل مشکل نیازمندان، توجه به مشکلات و نیازهای همه افراد جامعه، اصلاح روابط و رفع کدورت‌ها، توجه به نیازهای خواص در راستای گسترش فرهنگ خدمت‌رسانی در جامعه، رعایت مواسات و توصیه به تعاون، توجه به نیازهای خویشاوندان، ساخت مسجد، توجه به خانواده‌های زندانیان و آزادساختن بردگان، در سطوح و لایه‌های مختلف اجتماعی، مورد اهتمام عملی و توصیه جدی آنان قرار داشته است.

واژگان کلیدی: خدمات اجتماعی، سیره معصومان، مواسات، رفع نیاز، حل مشکل.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه الزهراء علیها‌السلام، قم، ایران؛ Zzary290@gmail.com

## مقدمه

پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در موضوع حل مشکلات و تأمین نیازمندی‌های دیگران، دارای اهتمام خاصی بوده و در این زمینه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. آن بزرگواران در دوران حیات مبارک خویش، با ابزار و وسایل گوناگون همچون نماز، دعا، وقف، صدقه، مواسات و کمک‌های مالی، گره از مشکلات مردم گشوده و نیازمندی‌های آنها را تأمین می‌کردند. اهل بیت ﷺ در عرصه‌هایی چون: رسیدگی به تأمین نیازهای فقیران و مستمندان، از محل درآمد موقوفه‌هایی که از جدشان به آنها رسیده بود و در حل اختلاف‌ها، برقرارکردن آشتی و صفا بین مسلمانان و نیز حل مسائل اقتصادی مردم، حمایت از افراد و خانواده‌هایی که حاکمان، اعضای آن خانواده‌ها را به سیاه‌چال‌ها و زندان‌های طولانی برده بودند، فعالیت می‌کردند. ائمه اطهار ﷺ در رسیدگی به مشکلات مردم، به‌ویژه مستمندان تلاش و به ایشان کمک‌های مالی می‌کردند.

کمک به فقرا و توجه به کرامت انسانی، یکی از رفتارهای فردی است که آثار اجتماعی آن، در زندگی مستمندان و سایر افراد، قابل بررسی و توجه است. در این میان، اهل بیت ﷺ در برآوردن حوائج مؤمنان و تأمین نیازهای آنان توجه ویژه‌ای داشتند و همانند برادری مهربان، در موارد بسیاری، شخصاً به مشکلات مردم رسیدگی می‌کردند؛ چنانکه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَثَلُ مُؤْمِنَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَمَثَلِ بَيْتِ أَبِي قَحْطَبَةَ فِي بَنِي تَمِيمٍ» (مثل مؤمنان در پیوند دوستی، محبت و مهربانی به یکدیگر همانند یک پیکر است که اگر چیزی از آن به درد آید، سایر اجزای پیکر با آن همدردی می‌کنند). (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸، ص ۱۵۰)

بر این اساس، ائمه اطهار ﷺ همواره پناهگاه مادی و معنوی مردم بوده‌اند. چه بسا افرادی در درگیری با دستگاه ظلم، از ستم جباران گریخته و به آنان پناه آورده است و ایشان نیز آنان را در پناه خویش قرار داده‌اند. در تاریخ و سیره ائمه هدی ﷺ موارد متعددی از پناه‌دادن‌ها و وساطت‌ها سراغ داریم. پس اهل بیت ﷺ تمام تلاششان در برطرف ساختن مشکلات جامعه اسلامی بود و هر کدام در این زمینه‌ها فعالیت داشتند که به برخی از آنها

به عنوان نمونه پرداخته می‌شود. درباره سیره اجتماعی معصومین علیهم‌السلام کتاب‌های فراوانی پدید آمده است، ولی این آثار به صورت جداگانه، به خدمات اجتماعی ایشان نپرداخته‌اند؛ بلکه به شکل جزئی، بعضی از خدمات اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام را بیان کرده‌اند. بر این اساس، کتابی کامل و مستقل درباره خدمات اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام یافت نشد. یکی از آثار مرتبط در این زمینه، کتاب «سیره فرهنگی و اجتماعی معصومان علیهم‌السلام»، نوشته علی اکبر ذاکری است که دارای دو بخش سیره فرهنگی و سیره اجتماعی است. سیره اجتماعی شامل دو فصل است که فصل اول، اصول کلی در سیره اجتماعی را بیان می‌کند. که از خدمات اجتماعی فقط کمک به نیازمندان را بیان کرده است و بقیه به رفتار اجتماعی پرداخته است. فصل دوم سیره اجتماعی نیز به شیوه برخورد با فرقه‌های اسلامی پرداخته که ارتباطی با این مقاله ندارد.

همچنین کتاب «سیره اخلاقی معصومین علیهم‌السلام» به قلم علی اصغر الهامی‌نیا، در دو بخش تدوین شده که در ابتدا اخلاق فردی را بیان کرده است و بخش دوم، اخلاق اجتماعی را بررسی می‌کند. در بخش اخلاق اجتماعی نیز به موضوعاتی همچون تعاون، خدمت به مردم، حمایت از محرومان و مشکل‌گشایی اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازد.

## مفهوم‌شناسی

### سیره

تعریف سیره در لغت به معنای نوع رفتن، سنت، طریقه، روش، رفتار، حالت و هیئت کار است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۸۹) در مجموع، سیره به معنای رفتار است، اما نوع خاصی از رفتار که در اندیشه، عبارت است از بینش خاص؛ در مسائل اخلاقی، منش و داشتن خوی ویژه و در رفتار سیاسی و اجتماعی، شیوه خاصی از مدیریت و رفتار اجتماعی است. (عبدالمحمدی، ۱۴۴۰، ص ۲۶)

سیره در اصطلاح مورخان صدر اسلام به معنای احوال و تاریخ زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

کتاب های متعددی با عنوان «السيرة النبوية» متعلق به قرون نخستین اسلامی موجود است که تاریخ زندگی پیامبر ﷺ و حوادث صدر اسلام را بیان می کنند. سیره در بین دانشمندان معاصر شامل سبک و روش پیامبر ﷺ و نحوه عمل کردن ایشان در زمینه های گوناگون است. دانشمندان شیعه علاوه بر روش و عملکرد پیامبر ﷺ، روش زندگی اهل بیت ﷺ را نیز مشمول سیره می دانند. سیره از دیدگاه مورخان معاصر یعنی رفتار و نوع رفتار پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت. (عبدالمحمدی، ۱۴۴۰، ص ۲۷)

## خدمات

کلمه خدمات، جمع خدمت است و خدمت یعنی انجام دادن کاری که به سود دیگران و به قصد کمک یا از روی احترام یا دلسوزی است. خدمات، فعالیتی معمولاً غیر تولیدی است که هدف آن، خدمت به دیگران یا تسهیل کار دیگران است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۶۹۵) در تعریفی دیگر، خدمت، انجام عملی از سر بندگی و دلسوزی برای کسی، انجام کاری نیک در حق کسی، تیمار، تعهد، دلسوزی و نیکو خدمتی در حق کسی است. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۸۴۲۸)

## اجتماعی

اجتماع یعنی گرد آمدن، جمع شدن و انجمن شدن است. (همان، ج ۱، ص ۸۷۹) اجتماعی مربوط به اجتماع، امور اجتماعی، مسائل اجتماعی و مقررات اجتماعی است. (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۵۰)

## خدمات اجتماعی اهل بیت ﷺ

### ۱. اهتمام اهل بیت ﷺ در کمک رسانی به نیازمندان

توجه و اهتمام به امور معیشتی یتیمان، محرومان و نیازمندان جامعه، جایگاه ویژه ای در سیره ائمه معصومین ﷺ دارد. اهل بیت ﷺ در خیررسانی و احسان و نیکی به مردم



سرآمد بودند؛ همچنان‌که در وصفشان آمده: «وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمَ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَ الصِّدْقُ وَ الرِّفْقُ» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۶) عادتشان احسان و صفت ثابت و خوی درونی‌شان، کرم است. اهل بیت علیهم‌السلام از شیوه‌های گوناگون برای کمک‌رسانی به مردم استفاده می‌کردند که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

### ۱.۱. اطعام

اطعام از مصادیق انفاق و احسان است. اسلام برای حفظ حرمت انسان‌ها و ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه، صاحبان ثروت را ملزم کرده است که بخشی از اموال خود را برای تأمین هزینه زندگی و رفع گرسنگی نیازمندان اختصاص دهند. اطعام نیازمندان، یکی از مسائلی است که اسلام به صورت فوق‌العاده به آن اهمیت داده است، به گونه‌ای که اگر رهنمودهای اسلام مورد توجه قرار گیرد گرسنگی از جامعه بشر ریشه کن خواهد شد. امام سجاد علیه‌السلام در همین ارتباط می‌فرماید: هرگز او را نخواهد بخشید. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۸ و ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۲۵) امام صادق علیه‌السلام یکی از مکارم ده‌گانه اخلاقی را غذا دادن به نیازمندان معرفی کرده و در جای دیگری فرمود: «بهترین اعمال نزد خداوند متعال، سه چیز است: سیرکردن شکم مسلمان گرسنه، پرداخت بدهی مسلمان و برداشتن غمی از دل او» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۹۴)

روزی عده‌ای از فقرا در مکانی نشسته و تکه‌های نان خشک می‌خوردند. امام حسین علیه‌السلام از آنجا عبور می‌کرد که آنها حضرت را بر سر سفره خود دعوت کردند. امام با ذکر آیه: «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ؛ خداوند مستکبران را دوست ندارد» (نحل: ۲۳) متواضعانه با فقرا هم سفره شد و سپس به آنها فرمود: همان‌گونه که من مهمان سفره شما شدم، می‌خواهم شما نیز مهمان من شوید. پس آنها را به خانه خود دعوت کرد و به اهل خانه فرمود: هر آنچه از طعام که میسر است برای پذیرایی میهمانان من فراهم کنید». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۷)

## ۱.۲. تعجیل در تأمین نیازها

در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، گره‌گشایی از مشکلات مردم بدون فوت وقت، مصادیق فراوان دارد. در آن زمان، هرگاه کسی دچار مشکل می‌شد، برای رفع آن به محضر ائمه علیهم‌السلام می‌آمد و آنان بی‌درنگ برای رفع مشکلات و گرفتاری‌های مردم اقدام می‌کردند. ایشان اجازه نمی‌دادند گره‌گشایی از مشکلات مردم به تأخیر افتد و فرصت‌ها از دست بروند. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «حضرت علی علیه‌السلام هنگام گرمای روز، به خانه برمی‌گشت. زنی را مشاهده کرد که از شوهرش شکایت داشت. امام فرمود: صبر کن تا از گرمای هوا کاسته شود. آن زن عرض کرد: اگر دیر کنم آتش غضب شوهرم شعله‌ورتر می‌شود. حضرت سرش را تکان داد و قسم یاد کرد که بی‌درنگ حق مظلوم را بستاند و به یاری وی بشتابد و مشکل وی را حل نماید. از این رو، همراه او به راه افتاد. وقتی به در خانه آن زن رسید، شوهرش را، که مرد جوانی بود، به ترس از خدا و عدم آزار و اذیت همسر فراخواند. جوان از سخنان امام برآشفته شد. در این هنگام، مشاهده کرد مردمی که از آنجا می‌گذرند، به حضرت علی علیه‌السلام سلام می‌کنند. فهمید که این شخص امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است. به همین دلیل، به دست و پای حضرت افتاد و از گناه و لغزش خویش بخشش خواست و شمشیرش را در غلاف کرد و به زنش گفت داخل منزل برو» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۳۳۷). از این حکایت، تعجیل در حل مشکلات مردم، به روشنی فهمیده می‌شود که حضرت علی علیه‌السلام تحمل هوای گرم و خستگی را بر خویش هموار کرد و به حل مشکل آن زن اقدام فرمود.

## ۱.۳. تأمین امنیت روانی

یکی از اموری که همواره فقرا و محرومان جامعه را رنج می‌دهد، نبود آرامش روحی و روانی است؛ نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی که آنان نسبت به آینده خویش دارند. زیرا درآمد کافی برای تأمین مایحتاج زندگی‌شان ندارند و روزگار خویش را با کمک‌های مالی دیگران سپری می‌کنند. آنان همواره نگرانند که در روزهای آینده این‌گونه کمک‌ها و انفاق‌ها به آنها

ادامه خواهد داشت یا خیر؛ لذا دلهره و اضطراب به سراغ آنها می‌آید و امنیت روانی را از آنان سلب می‌کند.

بنابراین، وجود نهاد و مرجعی که دغدغه‌های فکری و روانی فقرا و محرومان جامعه را برطرف سازد و امنیت روانی آنان را تأمین نماید، ضرورت می‌یابد. در سیره معصومان علیهم‌السلام به این مسئله توجه کافی شده است. ایشان علاوه بر اهتمام به برآوردن نیازهای مالی فقرا و محرومان جامعه، در راستای تأمین امنیت روانی آنان تلاش می‌کردند. موارد متعددی از دستگیری آنها از محرومان جامعه سراغ داریم که به هنگام کمک مالی به فقرا و درماندگان، جملاتی بر زبان آورده‌اند که دغدغه‌های فکری و روانی آنان نسبت به آینده را برطرف ساخته و امنیت روانی آنها را تأمین کرده‌اند.

به عنوان نمونه، امام باقر علیه‌السلام علاوه بر تأمین نیازمندی‌های مالی فقرا، امنیت روانی آنان را نیز تأمین می‌کرد و می‌فرمود: «پیش از آنکه مرا ملاقات کنید اینها برایتان آماده شده بود یا اینها را خرج کن و هر وقت تمام شد مرا با خبر ساز.» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۶) این جملات به روشنی بر تأمین امنیت روانی فقرا و نیازمندان دلالت دارند. بیان این جملات، اضطراب و نگرانی نسبت به آینده را از ذهن فقرا دور و به جای آن، آرامش روحی و روانی را جایگزین می‌سازد؛ به طوری که احساس می‌کنند هرگاه در تنگنا و فشار قرار گیرند، ملجأ و پناهگاهی دارند که به آن مراجعه نمایند و در نتیجه، در کمال احساس آرامش روحی و روانی زندگی کنند.

#### ۱.۴. رسیدگی به مشکلات

یکی از کارهای مهم ائمه علیهم‌السلام در راستای خدمات رسانی به جامعه اسلامی، رسیدگی به مشکلات نیازمندان بود. به عنوان نمونه، امام حسن مجتبی علیه‌السلام علاوه بر دوران حاکمیت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و در زمان کوتاه حکومت خود در کوفه، در دوره پس از حکومت نیز برای بخشی از قشرهای نیازمند جامعه نظیر سالمندان، یتیمان و خانواده‌های شهدا

و ... مستمری و حقوق تعیین کرد و آن را از محل موقوفات و صدقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و اموال شخصی خود می پرداخت. علاوه بر آن، در شرایط و پیشامدهای ویژه‌ای که به وجود می آمد، حضرت به فقیران و بیچارگان کمک شایسته‌ای می کرد. این کمک‌ها به اندازه‌ای زیاد بود که برخی را به شگفتی و ا می داشت. وقتی از امام می پرسیدند: چگونه است که هر نیازمند به در خانه شما می آید، ناامید بر نمی گردد؟ حضرت فرمود: من هم نیازمند و محتاجی هستم به درگاه خداوند متعال. همان گونه که من دوست ندارم خداوند مرا دست خالی برگرداند، خدا هم نمی خواهد من، بندگان را از نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته است، محروم سازم. می ترسم نیازمندی را رد کنم و خدا هم مرا دست خالی برگرداند. (مرعشی تستری، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۱۵۱)

بخشش و کرم، از ویژگی‌های خاندان رسالت است. ایشان همواره با ایثار دارایی‌ها و امکاناتی که در اختیار داشتند، گره‌گشای مشکلات مردم بودند. وقتی در روز عاشورا، پس از شهادت امام حسین علیه السلام، حاضران، در پشت بدن حضرت اثر زخم کهنه‌ای را دیدند، از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدند: این زخم برای چیست؟ حضرت فرمود: این زخم، اثر آن کیسه‌های نانی است که پدرم در دل شب، بر دوش خویش می گذاشت و آنها را به خانه‌های یتیمان و بی‌کسان نیازمند می برد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۶)

شخصی وارد شهر مدینه شد و از مردم پرسید: بخشنده‌ترین مردم این شهر کیست؟ او را به امام حسین علیه السلام راهنمایی کردند. آن شخص، در پی حضرت، وارد مسجد شد و او را در حال نماز دید. ضمن خواندن اشعاری، نیاز خود را به ایشان بیان کرد. هنگامی که نماز امام علیه السلام به پایان رسید، به قبر فرمود: چهار هزار دینار پول که در خانه داریم، حاضر کن. آنگاه آن را در جامه‌ای پیچید و از شکاف درب خانه به آن عرب نیازمند بخشید و فرمود: اگر این مقدار کم است، بر ما ببخشایید. (همان، ص ۶۶)

درباره احسان امام باقر علیه السلام آمده است: هرگز شنیده نشد که نیازمندی، نیازش

را به آن حضرت اظهار کند یا حضرت، به‌گونه‌ای از آن اطلاع پیدا یابد، ولی در راستای برطرف ساختن آن کاری نکند. یکی از توصیه‌های مهم امام به اطرافیان این بود که وقتی نیازمندی به شما رو آورد، یا خواستید او را صدا بزنید، او را به بهترین نامها و القاب صدا کنید و خود نیز همیشه چنین می‌کرد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هرچند پدرم نسبت به دیگر خویشاوندان، از نظر مالی در سطح پایین‌تری قرار داشت، اما برنامه ایشان بود که همیشه روزهای جمعه، به فقیران و نیازمندان انفاق می‌کرد. (قمی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۶)

در جایی دیگر، امام صادق علیه‌السلام فرموده است: در یکی از روزها، به حضور پدرم رسیدم. دیدم در حال تقسیم کردن مقداری پول در میان نیازمندان است. آن روز پدرم حدود هشت هزار درهم به فقیران کمک کرد و یازده نفر از برده‌ها را خرید و آزاد ساخت. (ابن طاووس، ۱۴۰۶، ص ۱۶۹)

امام صادق علیه‌السلام همیشه می‌کوشید به مستمندان و نیازمندان احسان کند. در این باره موارد زیادی از حضرت نقل شده است؛ از جمله: معلی بن خنیس می‌گوید: شبی امام صادق علیه‌السلام را دیدم که به طرف منطقه سایبان بنی ساعده - که محل زندگی شبانه فقیران و غریبها بود - می‌رفت، باران هم به شدت می‌بارید. من به دنبال حضرت راه افتادم تا ببینم کجا می‌رود. در بین راه، دیدم چیزی از دست امام افتاد و حضرت به دنبال آن می‌گشت. به حضورش رسیدم. سلام دادم و خود را معرفی کردم. فرمود: جستجو کن، هرچه پیدا کردی به من بده. کمی جستجو کردم و چند قرص نان یافتم و به حضرت دادم. سپس کیسه‌ای پر از نان دیدم که حضرت همراه داشت. عرض کردم: فدایت شوم! اجازه بدهید من آن را بیاورم. حضرت فرمود: «نه! من سزاوارترم که این کیسه نان را به دوش کشم». چون همراه حضرت به سایبان بنی ساعده رسیدیم، دیدم گروهی از فقیران و بینوایان خوابیده‌اند. حضرت زیر لباس هرکدام، دو قرص نان گذاشتند. وقتی برگشتیم در راه از امام پرسیدم: آیا این بینوایان از پیروان شما بودند؟ حضرت فرمودند: اگر از پیروان ما بودند که ما باید بیشتر از اینها برای آنها آذوقه تهیه می‌کردیم. (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۴۴)

امام کاظم علیه السلام نیز به نیازمندان، زیاد می بخشید. شبانه در تاریکی شب به طور ناشناس، درهم و دینار و خواربار به نیازمندان می رساند؛ درحالی که حتی نمی دانستند آن همه کمک های فراوان، از سوی چه کسی به آنها می رسد. اگر مالی به دست امام می رسید، آن را بین نیازمندان تقسیم می کرد و هریک از کیسه های پولی که به مستمندان می داد، کمتر از سیصد یا چهارصد دینار نبود؛ به گونه ای که کیسه های پول حضرت، ضرب المثل بود. (اربلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۵۸)

این ها نمونه هایی از خدمات اجتماعی اهل بیت علیهم السلام است. آنان تمام زندگی و اموالشان را وقف محرومان و نیازمندان ساخته و از کمک و خدمت به مردم دریغ نمی کردند و هیچ گاه اجازه نمی دادند مردم در گرسنگی و مشکلات به سربرند. شیعیان باید این حضرات را الگو و سرمشق خود قرار دهند و با سعی و تلاش، در کمک رسانی به مستمندان دریغ نورزند.

## ۲. توجه به مشکلات آحاد و خواص جامعه

به طور طبیعی، ممکن است مشکلات، گرفتاری ها و نیازمندی ها به سراغ هر انسانی بیایند. در چنین مواقعی، فردی که دچار مشکل شده و به یاری دیگران نیازمند است، انتظار دارد کسانی که توانایی دارند، قدمی در راستای حل مشکل وی بردارند، گوشه ای از نیازمندی های او را تأمین کنند و از حل مشکل و تأمین نیازهای وی مضایقه نکنند. روش زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام گره گشایی، نیکی و احسان بود.

سیره اجتماعی آن بزرگواران نشان می دهد که هرگز در پاسخ مشروع نیازمندان و رفع ستم از ستم دیدگان، مسامحه ای به خود راه نمی دادند و پیروان خویش را نیز به کارگشایی و برآوردن حاجت برادر مؤمن، تشویق و ترغیب می کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرکسی که یک حاجت برادر خویش را برآورد، چنان است که همه عمر خویش را خدمت خدا کرده باشد». (پابنده، بی تا، ص ۷۴۹) امام صادق علیه السلام می فرماید: «هرکس حاجتی از برادر مؤمن خود برآورد، خدای تعالی در روز قیامت، صد هزار حاجت او را برآورده سازد، که یکی از آنها، داخل کردن

او به بهشت است». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۹۲) ائمه اطهار علیهم‌السلام برای برطرف ساختن مشکلات مردم و جامعه، از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کردند که برخی از آنها عبارتند از:

### ۲.۱. بهره‌گیری از ابزارهای معنوی

بهره‌گیری از ابزارهای معنوی همچون نماز و دعا برای رفع مشکلات و گرفتاری‌های مردم، از شیوه‌های رایج در سیره معصومان علیهم‌السلام به شمار می‌آید. بسیار پیش آمده که اشخاصی دچار مشکل شده و برای حل مشکلشان خدمت یکی از ائمه معصوم علیهم‌السلام آمده‌اند و امام نیز با بهره‌گیری از نماز و دعا، گره از مشکلات آنان گشوده است.

روزی آب فرات زیاد شد و طغیان کرد. در آن حال، مردم که از غرق شدن در آن هراس داشتند، به حضور امام علی علیه‌السلام آمدند و کمک و مدد خواستند و تقاضای حل این مشکل نمودند. حضرت بر مرکب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوار شد تا کنار رود فرات رسیدند. در این هنگام، امام پیاده شد، وضو گرفت و به نماز ایستاد. سپس دست به دعا برداشت و از خداوند، حل مشکلات و گرفتاری‌های مردم را طلب نمود. درحالی‌که چوبی در دست داشت، به سوی فرات آمد و با چوب خویش بر آب زد و فرمود: به اذن پروردگار فرو بنشین. ناگهان آب فرو رفت، به صورتی که ماهی‌ها در قعر آن ظاهر و نمایان شدند و به حضرت با عنوان امیرالمؤمنین علیه‌السلام سلام کردند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۳۰ و طبرسی، ۱۴۱۳، ص ۱۷۹-۱۸۰)

### ۲.۲. تذییر جامعه از غفلت نسبت به یکدیگر

ائمه اطهار علیهم‌السلام ضمن فراخواندن مردم به تأمین زندگی نیازمندان و محرومان، مردم را از غفلت نسبت به آنان به شدت برحذر می‌داشتند. حسن بن کثیر می‌گوید: در محضر امام باقر علیه‌السلام از نداری خویش و بی‌توجهی برادران شکایت کردم. حضرت فرمود: بد برادری است کسی که در حال غنا، تو را رعایت کند و هنگام فقری و تنگدستی‌ات، نسبت به تو بی‌توجه باشد. آن‌گاه به غلام خود دستور داد کیسه‌ای را که در آن هفتصد درهم بود، بیاورد

و فرمود: این‌ها را خرج کن، وقتی تمام شد مرا باخبر ساز. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۶)

ائمه هدی علیهم‌السلام همانطور که مردم را به دستگیری از نیازمندان تشویق و ترغیب می‌کردند و از غفلت و ورزیدن نسبت به آنان هشدار می‌دادند، خود نیز در عمل، هیچ‌گاه از فقرا و نیازمندان غفلت نورزیدند و در تهیه مایحتاج زندگی آنها کوشا بودند. به عنوان نمونه، امام سجاد علیه‌السلام شب‌ها از خانه خارج می‌شد و انبانی را که در آن کیسه‌های درهم و دینار بود، بر دوش خویش حمل می‌کرد و بر در خانه فقرا می‌آورد و به آنان می‌بخشید. زمانی که آن حضرت به شهادت رسید و آن عطاها به مردم نرسید، آن هنگام متوجه شدند که آورنده آن عطایا، امام سجاد علیه‌السلام بوده است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۵۳)

### ۲.۳. اصلاح بین مردم

اصلاح کردن امور بین مردم (اصلاح ذات البین)، در فرهنگ اسلامی، کاری پسندیده و لازم است و مفسد اجتماعی را از بین می‌برد. در قرآن کریم و روایات، به این امر مهم به صورت‌های مختلف سفارش و تشویق شده است. خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَنِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ \* إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، در میان آنها صلح برقرار سازید و اگر یکی از آنها بر دیگری تجاوز کند، با طایفه ظالم پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، هرگاه بازگشت در میان آن دو بر طبق عدالت، صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشه‌گان را دوست دارد. مؤمنان برادر یکدیگرند، بنابراین میان دو برادر خود صلح برقرار سازید و تقوای الهی پیشه کنید تا مشمول رحمت او شوید» (حجرات: ۹-۱۰)

در برخی روایات، از این کار به عنوان بهترین صدقه و بهترین عبادت یاد شده است. همچنین، دشمنی و قهر بودن مسلمانان با یکدیگر، بسیار سرزنش شده است تا آنجاکه



گفته شده کسانی که بیش از سه روز با یکدیگر قهر باشند، از آداب اسلام خارج شده‌اند. بر این اساس، یکی از روش‌های ائمه علیهم‌السلام، برقراری اصلاح و سازش بین مردم بوده است. جمله، تمام تلاش امام صادق علیه‌السلام ایجاد صفا، محبت و آشتی بین برادران ایمانی بود. این مسئله در نظر ایشان به قدری اهمیت داشت که بودجه‌ای را فقط برای این کار در نظر گرفته بود. امام به مفضل فرمود: «هنگامی که بین دو نفر از پیروان ما نزاعی دیدی، از مال من خرج کن تا آنها را با یکدیگر صلح دهی». یک بار میان شخصی و دامادش در مورد ارثی، نزاع پیش آمد. مفضل آنها را به خانه‌اش برد و با چهارصد درهم، میان آنها صلح برقرار کرد و گفت: بدانید این پول از مال امام صادق علیه‌السلام است. این پول‌ها را در اختیار ما گذاشته تا بین شیعیان، صلح و صفا برقرار کنیم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۴۴۰ و طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۱۲)

## ۲.۴. توجه به مشکلات خواص جامعه

### الف) تأمین نیازهای مالی خواص

ابی‌هاشم جعفری، یکی از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گوید: از فقر و تنگدستی، به امام حسن عسکری علیه‌السلام شکایت کردم. حضرت با تازیانه خود، خطی بر روی زمین کشید و شمشیری از طلا، که قریب به پانصد اشرفی بود، از آن بیرون آورد و فرمود: ای اباهشم! این را بگیر و ما را معذور بدار. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۳۱)

### ب) توجه به مشکلات یاران

گاهی یاران و اصحاب خاص ائمه علیهم‌السلام در زندگی‌شان دچار مشکل می‌شدند که با عرضه آن در محضر امام، گره از مشکل آنان به دست امام گشوده می‌شد. ابوبصیر از یاران و اصحاب خاص امام صادق علیه‌السلام می‌گوید: در کوفه همسایه‌ای داشتم که مالی از راه حرام به دست آورده بود و برای زنان آوازه‌خوان، مجلس آماده می‌ساخت و خودش هم شراب می‌نوشید. من بارها شکایت کردم، اما او دست برنداشت. چون اصرار کردم، گفت: من

مردی گرفتارم، حال مرا نزد صاحب‌ت امام صادق علیه السلام ببر، امیدوارم خدا به وسیله تو مرا نجات دهد. ابوبصیر نزد امام صادق علیه السلام رسید و حال وی را بازگو کرد. حضرت فرمود: به او بگو: اگر کارهای زشت را ترک کنی، از لَهو و لعب دست برداری و با تمام گناهانت قطع رابطه نمایی، من بهشت را از خداوند برای تو ضمانت می‌کنم.

ابوبصیر چون به کوفه برگشت، نزد آن مرد رفت و سخنان امام را به او گفت. آن مرد گریه کرد و گفت: تو را به خدا قسم می‌دهم که آیا امام چنین گفته است؟ ابوبصیر قسم یاد کرد. پس از چند روز، دنبال ابوبصیر فرستاد. درحالی که جان می‌داد، گفت: ای ابابصیر! صاحب تو (امام صادق علیه السلام) به وعده خویش در حقم وفا کرد. سپس از دنیا رفت. ابابصیر می‌گوید: وقتی در ایام حج نزد امام صادق علیه السلام در مدینه رفتم، زمانی که داشتم وارد خانه می‌شدم، امام فرمود: ای ابابصیر! در مورد صاحب تو وفا کردم. (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹۴ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۱۴۵)

### ۳. انفاق به فقراء و محرومان

اسلام برای دستگیری از فقراء و محرومان جامعه، راه‌های زیادی قرار داده که یکی از این راه‌ها، انفاق کردن به فقرا و مستمندان است. آیات و روایات زیادی وجود دارند که در آنها به فضیلت انفاق اشاره شده و مسلمانان را به انفاق تشویق و ترغیب می‌کنند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند، که در هر خوشه، یکصد دانه باشد، و خداوند آن را برای هرکس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند، و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست. (بقره: ۲۶۱)

در سیره عملی معصومان علیهم السلام، انفاق در راه خدا را به بهترین شکل آن مشاهده می‌کنیم. آنچه در انفاق کردن دارای اهمیت بسیار است یکی نحوه انفاق و دیگری، مالی است که

انفاق می‌شود. اسلام برای انفاق دایره وسیعی قرار داده است. برخی انفاق‌ها همچون خمس و زکات است که خداوند متعال آنها را واجب ساخته است. بخش دیگری از انفاق‌ها، دامنه گسترده‌ای دارند و انفاق مستحبی هستند؛ از قبیل اطعام‌ها، هدایا، اوقاف، صدقات مستحبی و نذورات در اسلام که مورد تأکید و سفارش فراوان قرار گرفته‌اند.

درباره روش انفاق، مهم‌ترین مسئله، حفظ کرامت افراد و نیز انفاق قبل از عرض حاجت آنان است. بنا به دستور قرآن، مالی که انفاق می‌شود باید محبوب‌ترین مال نزد انسان باشد: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ؛ هرگز به نیکوکاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید، و آنچه انفاق می‌کنید خداوند از آن با خبر است﴾. (آل عمران: ۹۲)

### ۳.۱. انفاق، همراه با حفظ کرامت و عزت

یکی از مواردی که در هنگام انفاق به فقرا و نیازمندان جامعه باید مورد توجه جدی قرار گیرد، مسئله حفظ کرامت آنان است. این انفاق باید به گونه‌ای باشد که به کرامت فقرا لطمه‌ای وارد نسازد. از این رو باید دقت داشت که زمینه طوری فراهم گردد که شخص نیازمند، نزد دیگران احساس شرمندگی نکند. در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، به حفظ کرامت فقرا هنگام انفاق به آنان، اهمیت زیادی داده شده است. نمونه‌های متعددی در سیره عملی حضرات داریم که به این امر مهم، کمال توجه و عنایت را داشته‌اند.

محمد بن عبدالله بکری وارد مدینه می‌شود تا پولی به دست بیاورد و قرضش را ادا کند. اما به مقصود نرسید و تصمیم گرفت خدمت امام موسی کاظم علیه‌السلام برود. حضرت در باغی، که خارج از مدینه قرار داشت، رفته بود. محمد نزد ایشان رفت و داستان خود را به امام عرض کرد. در این حال، حضرت به درون باغ رفت و بلافاصله بیرون آمد. سپس غلام خود را مرخص کرد و سیصد دینار پول به محمد بن عبدالله بکری بخشید و خود نیز تشریف برد. عبدالله بکری بر مرکب خود سوار شد و شاد و خندان مراجعت کرد. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲،

ص ۲۳۲) چنانکه ملاحظه می‌شود، امام برای حفظ کرامت محمد بکری، هنگام اعطای پول به وی، غلام خویش را مرخص کرد تا مبادا با اعطای پول در حضور غلام، شخصیت و کرامت وی جریحه‌دار شود.

### ۳,۲. انفاق، قبل از عرض حاجت

مطلب دیگری که رعایت آن در هنگام انفاق به فقرا حائز اهمیت است اینکه پیش از آنکه نیازمندی عرض حاجت نماید، نیازهای وی تأمین شود. این امر باعث می‌شود فقیر و نیازمند، غرور و حیثیتش در اثر سؤال کردن جریحه‌دار نشود. در سیره ائمه علیهم‌السلام نیز بر انفاق نسبت به فقرا، قبل از عرض حاجت آنان، تأکید شده و ایشان سفارش‌های مکرری نسبت به رعایت این امر داشته‌اند. به عنوان نمونه، برخی یاران امام باقر علیه‌السلام هرگاه ایشان را ملاقات می‌کردند، نفقه و جامه‌ای به آنها می‌بخشید و می‌فرمود: پیش از آنکه با من ملاقات نمایید، این‌ها را برایتان آماده کرده بودم. (همان، ص ۱۶۶)

امام حسن علیه‌السلام نیز قبل از آنکه فرد نیازمندی به ایشان مراجعه کند، درصدد رفع حاجت او برمی‌آمد؛ کافی بود ایشان از مشکل فردی مطلع شود تا برای حل آن اقدام نماید. برای نمونه، حضرت هنگامی که شنید مردی از خداوند درخواست می‌کند ده هزار درهم به او عطا کند، بلافاصله به منزل خود رفت، آن مقدار پول را برداشته و به او بخشید (إربلی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۲۳). از این سخنان، گذشته از لزوم انفاق و دستگیری از فقرا پیش از عرض حاجت، لزوم توجه دقیق به آحاد جامعه و اطرافیان و تأمین نیازهای مختلف غذایی، پوشاکی و مالی افراد جامعه نیز استفاده می‌شود.

### ۳,۳. انفاق همراه با نصیحت

امامان معصوم علیهم‌السلام هنگام بروز سختی‌ها و گرفتاری‌ها، گذشته از کمک به برطرف شدن

مشکلات مالی، از نظر روحی نیز به مردم، توان تحمل و بردباری می‌بخشیدند. آنان از راه یادآوری دیگر نعمت‌های خداوند و تبیین فلسفه‌گرفتاری‌ها، افراد را نسبت به حل مشکلات، توانمند می‌ساختند. ابوهاشم جعفری می‌گوید: زمانی فقر و ناداری شدیدی به من روی آورد. چاره‌ای نیافتم و ناگزیر شدم خدمت حضرت امام هادی علیه‌السلام برسم. حضرت به من اجازه دادند تا بنشینم. همین‌که نشستم، فرمود: ای ابوهاشم! شکر کدام یک از نعمت‌هایی را که خدا به تو بخشیده است، می‌توانی ادا کنی؟ چون سکوت کردم، حضرت فرمود: خداوند به تو ایمان داده و به وسیله ایمان، آتش جهنم را بر بدن تو حرام کرده است. سلامتی داده و به وسیله آن، توفیق عبادت و اطاعت را ارزانی تو داشته و تو را به صفات قناعت آراسته و از این راه، آبروی تو را حفظ کرده است. آنگاه حضرت فرمود: این سخنان را گفتم، چون گمان کردم می‌خواهی از خدا نزد من شکایت کنی. اکنون دستور دادم صد دینار زر سرخ به تو بدهند. وقتی آن را آوردند، از ما قبول کن. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۱۲۹ و صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲)

### ۳،۴. ترویج خدمات پنهانی

سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر انفاق مخفیانه مهر تأیید می‌زند و در سیره آنان، نمونه‌های متعددی در این زمینه می‌یابیم. آن بزرگواران گذشته از انفاق مالی، هرگونه خدمتی که ارائه می‌دادند، کوشش می‌کردند به صورت مخفیانه انجام گیرد. هرگاه گره از مشکل کسی باز می‌کردند و یا نیازهای فقیر و مستمندی را تأمین می‌نمودند، این کار را به نحوی انجام می‌دادند که خودشان شناخته نشوند. آنان با این عملکردشان، در پی ترویج خدمات پنهان اجتماعی بودند. امام کاظم علیه‌السلام شبانه فقرای مدینه را مورد تفقد قرار می‌داد و انبانی که در آن پول، طلا، نقره، آرد و خرما بود، به آنها می‌رساند. این در حالی بود که آنان نمی‌دانستند از کجا می‌آید. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۳۱)

نمونه‌ای دیگر اینکه، امام صادق علیه‌السلام کیسه‌ای به ابوجعفر خثعمی داد و فرمود: آن را به

فلان مرد از بنی هاشم بده، اما به او نگو که من آن را داده‌ام. ابوجعفر می‌گوید: کیسه را به آن مرد دادم. او گفت: خدا دهنده آن را پاداش نیکو دهد که گاه گاه چنین کیسه‌ای برای ما می‌فرستد و ما با آن زندگی می‌کنیم. جعفر با اینکه مال فراوانی دارد، درهمی به من کمک نمی‌کند. (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۷۳)

در مورد حکمت انفاق پنهانی، روایاتی از ائمه اطهار علیهم‌السلام وارد شده است. ابوحمزه ثمالی می‌گوید: علی بن حسین علیه‌السلام کیسه نان و مواد غذایی را شبانه بر دوش خود حمل می‌کرد و صدقه می‌داد و می‌گفت: صدقه پنهانی، غضب خداوند را خاموش می‌کند (اربلی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۶۵). آن حضرت، در شب‌های تار، کیسه‌هایی بر دوش می‌کشید که در آن کیسه‌ها، دنانیر و دراهم بود و به خانه‌های فقراء می‌برد و بسا طعام یا هیزم بر دوش برمی‌داشت و به خانه‌های محتاجین می‌برد و به آنها عطا می‌فرمود، درحالی که صورت مبارک خود را پوشانیده بود تا او را نشناسند و آنها نمی‌دانستند که پرستارشان کیست؟ تا زمانی که حضرت از دنیا رحلت فرمود و آن عطایا و احسان‌ها از ایشان مفقود شد دانستند که آن شخص، حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام بود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۶۸؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۲ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۶، ص ۶۶)

درباره امام رضا علیه‌السلام گفته شده که حضرت به یکی از نیازمندان، صدقه‌ای پنهانی داد. یکی از اصحاب عرض کرد: فدایت شوم! ترحم کردی و بخشش نمودی، چرا خود را پنهان داشتی؟ امام فرمود: از ترس اینکه مبادا از من خجالت بکشد. آیا نشنیده‌ای که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: کار نیکی که به صورت پنهانی انجام شود، برابر با هفتاد حج است و افشاکننده کار بد، خوار و ذلیل است و کسی که پنهانی انجام دهد، آمرزیده و بخشوده است (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۶۱). بنابراین، اهل بیت علیهم‌السلام هنگامی که عطای خویش را به سائل می‌دهند، خود را از او پنهان می‌دارند تا خواری خواهش را در چهره او نبینند. همچنین سائل نیز هنگام گرفتن بخشش، چشمش به روی عطاکننده نیفتد تا عزت نفسش حفظ شود.

امامان معصوم علیهم‌السلام گرچه خود به مال اندکی از دنیا قناعت می‌کردند و از مال‌اندوزی پرهیز داشتند، اما هرچه می‌توانستند، در انفاق به دیگران و برطرف ساختن نیازمندی‌های

آنان تلاش می‌کردند. یکی از ویژگی‌های مشترک همه اولیای الهی، همین انفاق به نیازمندان است. این کار علاوه بر جنبه‌های معنوی و آثار اخروی اش، در کاهش فقر و فاصله طبقاتی، که ریشه بسیاری از نابسامانی‌هاست، تأثیر فراوانی داشت. اسحاق بن جلاب می‌گوید: برای امام هادی علیه‌السلام گوسفندان زیادی خریدم. سپس آن گوسفندان را میان کسانی که حضرت دستور دادند، توزیع کردیم. (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۴۱۱)

انفاق چه علنی باشد و چه مخفیانه، هر کدام آثار مفیدی دارد. هنگامی که انسان به‌طور آشکار مال خود را در راه خدا انفاق می‌کند، اگر انفاق واجب باشد، مردم به آن تشویق می‌شوند و اگر مستحب باشد، یک نحوه تبلیغ عملی است و مردم را به کارهای خیر و حمایت از محرومان تشویق می‌کند. همچنان‌که آیات قرآن به همین مطلب اشاره دارند: ﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ آنها که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند﴾ (بقره: ۳۷۴). پس طبق این آیه، انفاق‌کنندگان آشکار نیز نزد خداوند، اجر و پاداش می‌گیرند. آنجاکه پای مسئله دیگری همچون تعظیم شعائر مذهبی و تشویق و ترغیب دیگران در میان نباشد، برای رعایت جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و شخصیتی کسی که به او انفاق می‌شود و به خاطر حفظ آبروی وی و نیز خلوص بیشتر باید انفاق به‌طور مخفیانه انجام گیرد.

#### ۴. تعاون و مواسات

یکی از مشکلاتی که جوامع بشری، همواره از آن رنج برده‌اند، فاصله طبقاتی حاکم در جامعه است، به‌گونه‌ای که اعضای جامعه را به دو دسته تقسیم نموده است. عده‌ای محروم و تهی دست که نمی‌توانند ضروری‌ترین لوازم زندگی‌شان از قبیل غذا، مسکن و لباس را تهیه کنند و عده‌ای نیز به قدری مال و ثروت دارند و غرق در ناز و نعمت هستند که حساب مال و ثروت خود را ندارند.

جامعه صالح و مبتنی بر ارزش‌های والای انسانی، جامعه‌ای است که همه افراد از نعمت‌های الهی، که برای بشر آفریده شده، برخوردار باشند و تعاون در بین آنها حاکم باشد. زیرا هدف از زندگی اجتماعی، کمک افراد به همدیگر برای آسان‌تر شدن راه نیل به کمال است. اسلام به‌عنوان یک آیین جامع، که تمام نیازهای مادی و معنوی بشر در آن پیش‌بینی شده، توجه خاصی نسبت به فقرا و محرومان جامعه داشته است. از این رو، آیات و روایات بر تعاون، دیگریاری و مواسات در راستای تأمین مایحتاج نیازمندان جامعه سفارش شده است. گذشته از این، در سیره عملی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، شواهد فراوانی در اقدام به دستگیری از فقرا و محرومان جامعه می‌یابیم.

واژه تعاون به معنای یاری‌رساندن و کمک به دیگری، معاون یعنی کمک‌کننده، و معاونت و اعانه یعنی کمک‌کردن و یاری‌رساندن (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۱۷۷) است. تعاون یعنی کمک به دیگران بدون داشتن انتظار کمک از کمک‌گیرنده یا بدون تصور سهم نفعی از امری صورت می‌گیرد که به کمک او انجام گرفته است. صورت کامل و والای دیگریاری، فداکاری و ایثار است که شخص، منافع و خواسته‌های خود را به نفع ارزش‌های عالی‌تر نادیده می‌گیرد. این امر، اثرات کاملاً مثبت و پایداری در ایجاد همبستگی اجتماعی دارد. (طالب، ۱۳۷۶، ص ۴) مکتب اسلام، تعاون را به‌عنوان یکی از ضرورت‌های تفکر هنجاری مورد توجه قرار داده است. اسلام همچنین بر خیرخواهی، شتاب در همکاری، هم‌یاری و دیگریاری مؤمنان تأکید نموده و آنان را از هرگونه تعاون در بدی‌ها و دشمنی‌ها، که به نابرابری و بی‌عدالتی اجتماعی دامن می‌زند برحذر داشته است. بر اساس روایت اسلامی، مسلمانان نسبت به یکدیگر، حقوق و وظایفی دارند که یکی از آنها مواسات در مال است؛ یعنی در صورتی که یکی از آنان نیازی داشته باشند، دیگران باید در تأمین آن بکوشند. در این زمینه، احادیث فراوانی داریم، از جمله رسول خدا ﷺ می‌فرماید: کسی که سیر باشد و برادر او گرسنه، به خدا ایمان نیاورده است و نیز کسی که پوشیده باشد، درحالی که برادرش برهنه، به خدا ایمان نیاورده است. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۶۵)



مواسات یعنی همراهی کردن و کمک رساندن به مؤمنان در همه اموری که به کمک نیاز داشته باشند. مواسات، مورد توجه همه امامان علیهم‌السلام بود. به عنوان نمونه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنیاد مواسات و همیاری مؤمنان را در مدینه برقرار کرد و در بندهایی از منشور مدینه چنین آورد: مؤمنان، دوستان و سرپرستان یکدیگرند. مؤمنان نباید شخص عیال وار و قرض دار را به حال خویش رها سازند، بلکه باید به او کمک نمایند. (ابن هشام حمیری، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۲) پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این کار پیش قدم بود و آنچه داشت با اصحاب صقه و مؤمنان نیازمند تقسیم کرد. ایشان حتی در ایامی که غنایم فراوان به دست می آورد، از زندگی زاهدانه دست برنداشت و مواسات و همدردی با مؤمنان نیازمند را فراموش نکرد.

یکی از صفت‌های بسیار والای امام علی علیه‌السلام، مقدم داشتن دیگران بر خویشان بود. ایشان همواره در تأمین نیازمندی‌ها، دیگران را بر خود و خانواده‌اش ترجیح می داد. نقل است که آن حضرت، شبی برای آبیاری نخلستان فردی اجیر شد تا در برابر آن، مقداری غلات از صاحب نخلستان، به عنوان مزد، دریافت کند. امام، آن شب را تا صبح به کار آبیاری نخل‌ها گذراند و صبح، آن مقدار غلات را که از صاحب باغ گرفت، سه قسمت کرد؛ یک قسمت آن را آورد ساخت تا با آن، برای خود و خانواده‌اش نان تهیه کند. همین که نان آماده شد، مسکینی از راه رسید و تقاضای غذا کرد. حضرت نان‌ها را به او داد. آنگاه، با قسمت دوم همان غلات، دوباره نان پخت. این بار هم یتیمی آمد و از امام کمک خواست که حضرت نان‌ها را به او بخشید و از باقی مانده آرد، نان تهیه کرد که در این هنگام، اسیری از ایشان تقاضای غذا کرد و حضرت با کمال میل، این نان را هم به اسیر داد و آن روز را هم خود و هم خانواده‌اش، بی غذا سپری کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۱۷) در مورد اینکه این جریان، در سه روز متوالی یا در یک روز اتفاق افتاده، یک دسته از روایات که از ابن عباس آمده و در منابع سنی بیان شده و از طریق منابع سنی وارد منابع شیعه شده، همه به اتفاق، سه روز روزه را بیان می‌کنند، اما این روایت از طریق امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نیز که هم در منابع شیعه و هم سنی وارد شده، اشاره به این دارد که این اطعام، در یک روز اتفاق افتاده

و نه سه روز. این روایت، مأثور و از معصوم است، اما آن روایت از ابن عباس است و روایات ابن عباس دارای اشتباهات زیاد است. اما طبق روایت امام صادق علیه السلام، این ماجرا در یک روز بوده و حضرت، آردی را که داشتند، سه وعده غذا درست کردند و هر سه وعده را که می دهند، در یک روز بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۴۳)

#### ۴.۱. ابعاد مواسات

از جهات گوناگون می توان به حدود و ثغور مواسات در نگاه امامان هدی علیهم السلام پرداخت که در ادامه، به برخی ابعاد آن اشاره می شود:

#### الف) گستردگی مخاطبان

با مراجعه به سیره امام حسن مجتبی علیه السلام می توان برداشت کرد که در نفس همدلی و حل مشکلات دیگران، تفاوتی میان انسان ها نیست. حضرت در برابر مرد شامی که با زبان ناپسندی ایشان را خطاب قرار داده و حتی حضرت را با عباراتی حاوی نفرین و دشنام خوانده است، با همان روحیه مثال زدنی فرمود: گمان می کنم غریب باشید؛ شاید امر بر شما مشتبه شده باشد؟ اگر از ما رضایت بخواهی، رضایت می دهیم؛ اگر چیزی بخواهی به تو عطا خواهیم نمود. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۹)

#### ب) دامنه وسیع موضوع

در روایت اخیر، موضوع دیگری نیز قابل استفاده است و آن اینکه مواسات، تنها منحصر به امور مالی نیست و در این راستا، امام از تمامی نیازمندان احتمالی مخاطب خود جویا شده و فرمود: اگر از ما راهنمایی بخواهی، تو را هدایت می نمایم؛ اگر حاجتی داشته باشی، روا می کنیم؛ اگر گرسنه باشی، تو را غذا می دهیم؛ اگر برهنه باشی، به تو لباس می پوشانیم؛ اگر محتاج باشی، تو را بی نیاز خواهیم کرد؛ اگر رانده شده باشی، تو را پناه می دهیم و اگر

مرکب خود را به سوی ما حرکت دهی و مهمان ما باشی، تا موقعی که بخواهی برگردی، برای تو بهتر و سودمندتر خواهد بود؛ چرا که ما دارای مهمان‌خانه‌ای وسیع، مقام و منزلتی رفیع و اموال فراوان هستیم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۳۴۳)

### ج) شمول به همه اموال

با مروری در سیره اجتماعی امام حسن علیه‌السلام می‌توان زیباترین نمونه‌های غمخواری و همدردی با اطرافیان را مشاهده کرد. ویژگی دیگری که در مورد یاری‌رسانی امام موج می‌زند، نوع بخشش امام به دیگران است. ایشان طوری با افراد نیازمند برخورد می‌کرد که گویی آنان را به معنی واقعی، شریک و برادر خود می‌دانست و برای او، سهمی از اموال و دارایی خویش قائل بود. همین امر سبب شد تا مطابق روایاتی، حضرت بارها تمامی اموال خویش را به چند بخش تقسیم کرد. سپس دست نیازمندان را گرفته و به منزل برده و بخشی از دارایی‌ها را به ایشان بخشید. (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۴)

این موضوع نشان می‌دهد در صورت برخورداری از توان مالی، به مسئله بخشش اموال برای کمک به دیگران اقدام شود. همچنین نشان می‌دهد باید در جستجوی همه اموالی بود که امکان شریک‌ساختن دیگران در آن وجود دارد.

### ۴،۲. ترویج روحیه مواسات

یکی از زیباترین خصلت‌های معاشرتی، مواسات است؛ یعنی غمخواری، همدردی و یاری‌کردن دیگران. مواسات از ریشه اسوه است؛ یعنی دیگری را در مال و جان، همچون خود دیدن و دانستن دیگری را بر خود مقدم قراردادن، به دوستان و برادران دینی، یاری و کمک مالی و جانی رساندن. (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳)

مواسی، کسی است که با دیگران همدردی و همراهی دارد و خود را در رنج و غم دیگران شریک می‌داند و با مال و جان از آنها دفاع می‌کند و میان خود و دیگران فرقی نمی‌گذارد.

(همان، ص ۱۰۴) در روایت اسلامی، مواسات بسیار ستوده شده است. رسول خدا ﷺ در این زمینه می‌فرماید: کسی که دو لباس دارد، یکی را خود بپوشد و دیگری را به برادر دینی خود را بپوشاند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰، ص ۵۳۴)

آن حضرت در جای دیگر، مواسات با برادر دینی را یکی از سه عمل برتر شمرده است. ایشان می‌فرماید: سرور اعمال، انصاف دادن مردم از خود و مواسات با برادر دینی و یاد خدای عزّ و جلّ در هر حال است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۱۵). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «نظام الکرّم موالاة الاحسان و مواسات الاخوان؛ نظام بزرگی و مردانگی، پی در پی احسان کردن و خود را با برادران برابرگرفتن است». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۲۳)

امام کاظم علیه السلام به جعفر بن محمد عاصمی فرمود: ای عاصم در مواسات و ارتباط با یکدیگر چگونه اید؟ او می‌گوید: عرض کردم: به بهترین حالتی که شخصی ممکن است باشد. امام فرمود: آیا یکی از شما هنگام تنگدستی به مغازه یا خانه برادر دینی اش برود و کیسه پول او را بردارد و به مقدار نیاز از آن برگیرد و او نیز ناراحت نشود؟ گفتم: نه. فرمود: پس در حالتی از ارتباط با یکدیگر نیستید که من دوست دارم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۳۱) گذشته از فرمان‌ها و دستورات اهل بیت علیهم السلام در مورد مواسات، در سیره عملی آنان نیز ترویج روحیه مواسات به وضوح دیده می‌شود. در نمونه‌ها و نیز موارد دیگری که در سیره اهل بیت علیهم السلام فراوانند، مواسات و تعاون اجتماعی، به صورت عالی‌ترین و بهترین وجه به دست می‌آید و اینکه ائمه علیهم السلام چگونه با رفتار خود، روحیه مواسات و تعاون اجتماعی را در جامعه ترغیب می‌کردند.

## ۵. وقف بر خویشاوندان و مستمندان

بر اساس روایات مستند، امام علی علیه السلام، در مسیر مکه و مدینه، چاه‌های زیادی حفر کرد تا رهگذران و نیازمندان، از آب چاه‌ها آن‌گونه که صلاح می‌دانند، بهره‌مند شوند. روزی امام علی علیه السلام در یکی از نخلستان‌ها مشغول کندن چاه بود. هنگام ظهر، حضرت برای

به جا آوردن نماز، از چاه بیرون آمد و پس از خواندن نماز و خوردن مختصری غذا، دوباره درون چاه رفته و مشغول کندن آن شد. ناگهان کلنگ حضرت به سنگی برخورد کرد که آب از زیر آن فوران نمود، به گونه‌ای که تمام بدن و لباس‌های حضرت گل‌آلود شد و از شدت جریان آب نتوانست به کندن ادامه دهد. پس ناگزیر از چاه خارج شد. وقتی از چاه بیرون آمد، اولین کارش این بود که قلم و دوات خواست و همان ساعت، آن چاه را به عنوان صدقه برای استفاده افراد نیازمند و مستمند مدینه و افراد در راه مانده وقف کرد تا آنها، بخشی از نیازهایشان را با استفاده از آب چاه برطرف سازند. در این هنگام، حضرت فرمود: این چاه را وقف نمودم تا در روز قیامت، چهره‌ام را از آتش دوزخ مصون دارم. کسی حق فروش و بخشش آن را ندارد تا آن‌گاه که خدا، وارث آن شود و خدا بهترین وارثان است، مگر آنکه حسن و حسین به آن محتاج شوند که تنها آن دو می‌توانند از آن بهره‌مند گردند. (حموی، ۱۹۹۵، ج ۱۹، ص ۱۸۶)

امام علی علیه‌السلام در طول عمر بابرکت خویش، به ویژه در مدت ۲۵ سال سکونت ایشان، به حفر چاه، احداث نخلستان و ایجاد مزارع و کشتزارهای متعدد مشغول بود و سپس تمامی این اموال و دارایی‌ها را وقف نیازمندان ساخت. بر اساس اسناد موجود، سازه‌های آبی ایجاد شده به دست امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، شامل چندین حلقه چاه در منطقه ینیع و چاه‌ها و چشمه‌های بیشمار دیگر در مناطق گوناگون حجاز، به ویژه در شهر مدینه و نواحی اطراف آن بوده است.

در بین موقوفات امام علی علیه‌السلام، حدود چهل چاه دیده می‌شود که حضرت با دست خود حفر کرده و آنها را وقف نمود. تمام عمر علی بن ابیطالب علیه‌السلام، در خدمت‌رسانی به مردم از قبیل ارشاد آنها به صراط مستقیم و تلاش برای حل مشکلات مادی و معنوی آنها سپری شد و تلاش‌های حضرت در راستای محرومیت زدایی از افراد جامعه، شنیدنی است. به اتفاق همه تاریخ‌نویسان، حضرت علی علیه‌السلام تنها بخش کوچکی از درآمدهای خود را در زندگی شخصی‌اش مصرف می‌کرد و بقیه را به نیازمندان می‌بخشید. گفته شده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زمینی از انفال را در اختیار حضرت علی علیه‌السلام قرار داد. امام در آنجا قناتی حفر

کرد که آب فراوانی از آن جاری شد و به همین مناسبت نام آن را «یَنْبُع» گذاشت. آب فراوان این قنات، موجب شادی و روشنی چشم اهالی شد. وقتی یکی از اهالی به حضرت تبریک گفت، حضرت در پاسخ وی فرمود: «این قنات، وقف زائران خانه خدا و رهگذرانی است که از اینجا عبور می‌کنند و کسی حق فروش آن را ندارد و هیچ‌کس را در آن حق ارث و بخشش نیست و هر کس آن را بفروشد یا به کسی ببخشد، لعنت خداوند و ملائکه و مردم، همه بر او باد». (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۸۶)

اسامی موقوفات متعدد و وقف نامه‌های حضرت علی علیه السلام در کتب حدیث و تاریخ ذکر شده است. در اهمیت موقوفات آن حضرت، همین بس که به نقل از مورخان معتبر، درآمد سالانه آنها، چهل هزار دینار بوده است که تمام آن، صرف بینوایان می‌شده است. شگفت آنکه به رغم داشتن این درآمد سرشار، حضرت امیر علیه السلام برای تأمین هزینه زندگی خود، به فروختن شمشیر نیز ناچار شده بود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۴۳)

امام علی علیه السلام از خود چنین موقوفاتی باقی می‌گذارد، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی که در این جهان درگذرد، پس از مرگ چیزی به او نمی‌رسد جز آنکه بیشتر، سه چیز از خود باقی گذاشته باشد: فرزند صالحی که در حق او استغفار کند، سنت حسنه‌ای که در میان مردم رواج داده باشد، کار نیکی که اثرش پس از آن باقی باشد. (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۹۷)

وقف نامه‌های امام علی علیه السلام علاوه بر آنکه منبعی الهام‌بخش و آموزنده برای احکام وقف در اسلام است، سندی محکم و گویا بر خدمات اجتماعی و انسانی آن حضرت است. همچنان‌که ائمه دیگر نیز این راه را ادامه دادند و به این زمین‌ها و باغ‌های وقفی اضافه کردند و در راه کمک به نیازمندان جامعه قرار دادند.

## ۶. ساخت مسجد

تاسیس و تعمیر مساجد، از نشانه‌های ایمان به خدا و آخرت است. امیرمؤمنان علی علیه السلام مساجدی بنا کرده است که نام برخی از آنها، در تاریخ اسلامی ضبط شده است. برخی از

این مساجد عبارتند از: مسجد فتح در بین راه مکه و کوفه، مسجد مقابل قبر حمزه، مسجد واقع در میقات، مسجد واقع در کوفه و مسجد جامع شهر بصره. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۳۳)

## ۷. پرداخت بدهی مردم

ابن عباس نقل می‌کند که همراه با امام حسن علیه‌السلام در مسجد الحرام بودم. حضرت معتکف بود و دور خانه خدا طواف می‌کرد. یکی از شیعیان نزد وی آمد و گفت: شخصی از من طلبکار است، اگر ممکن است شما آن را پردازید. حضرت فرمود: سوگند به خدای این خانه، امروز چیزی نزد من نیست. فرد نیازمند گفت: اگر مقدور است از او مهلت بخواهید، زیرا مرا به زندان تهدید می‌کند. امام بی‌درنگ طواف را قطع کرد و برای ضمانت وی حرکت نمود. گفتم: ای فرزند پیامبر! آیا فراموش کرده‌ای که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: آری می‌دانم، ولی من از پدرم شنیدم که از قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمود: هر کسی حاجت برادر مؤمنش را برآورده کند، به سان کسی که نه هزار سال خدای را عبادت کرده است؛ عبادتی که روزها در حال روزه و شبها در حال نماز باشد. (ابن فهد حلی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۲-۱۹۳)

وقتی زمان وفات زید بن اسامه فرا رسید، زید گریه می‌کرد. امام سجاد علیه‌السلام بر بالین وی حاضر بود، فرمود: چرا گریه می‌کنی؟ چه چیزی تو را می‌گریاند؟ زید عرض کرد: گریه‌ام برای این است که پانزده هزار دینار، قرض دارم و چیزی هم به جا نگذاشته‌ام تا آن را ادا کنند. امام فرمود: گریه نکن، من از جانب تو، دین تو را ادا می‌کنم و ذمه تو بری است. حضرت پس از وفات زید، دیون وی را پرداخت. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۴۹)

## ۸. کمک به مال باختگان

یکی از خطرهای بزرگی که همواره افراد را تهدید می‌کرد، غارت اموال از سوی راهزنان بود. بر این اساس، یکی از کارهای مهم امام جواد علیه‌السلام، رسیدگی به مشکلات این گروه

غارث شده بود. احمد بن حدید در این باره می‌گوید: با گروهی برای انجام حج، به مکه می‌رفتیم که راهزنان، تمام دارایی‌های ما را به غارت بردند و ما تهی دست شدیم. وقتی وارد مدینه شدیم، من در یکی از کوچه‌ها، با امام جواد علیه السلام برخورد کردم و همراه ایشان به خانه‌اش رفتم و جریان غارت زدگی ام را به حضرت عرض کردم. آن حضرت، پس از شنیدن سرگذشت من، لباس‌ها و پول‌هایی به من داد و فرمود: آن را به اندازه اموالی که از دست تو رفته است، میان همراهان خود تقسیم کن. احمد بن حدید می‌گوید: وقتی این کار را بر اساس دستور امام جواد علیه السلام انجام دادم، دیدم حضرت، به مقدار آنچه که از ما غارت شده بود - نه کم و نه زیاد - به ما کمک کرده است. (خصیبه، ۱۴۱۹، ص ۳۰۲-۳۰۳)

## ۹. محرومیت‌زدایی

اسلام نهایت کوشش خود را به کار می‌برد تا در جامعه اسلامی، یک فقیر و نیازمند پیدا نشود. اما بدون شک، در هر جامعه‌ای، افراد از کار افتاده آبرومند، کودکان یتیم، بیماران، بدهکاران و مانند این‌ها وجود دارند که باید به وسیله بیت‌المال و نیز افراد متمکن، با نهایت ادب و احترام تأمین شوند. توجه به اهتمام به امور معیشتی فقرا، محرومان و نیازمندان جامعه، جایگاه ویژه‌ای در سیره ائمه علیهم السلام دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

امام علی علیه السلام حمایت از اقشار محروم و درمانده جامعه را جزء برنامه‌های اصلاحی خویش قرار داده بود و در عهدنامه خویش، به مالک اشتر مأموریت می‌دهد که هیچ‌گاه از اقشار محروم جامعه غفلت نرزد و نیازهای آنها را تأمین کند (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۳۸). حضرت علاوه بر فرمان‌هایی که به کارگزاران خویش در راستای تأمین اجتماعی محرومان جامعه می‌دهد، خود نیز به تأمین و رفع نیازهای این قشر در جامعه اقدام می‌کند. آن حضرت، خود را پدر یتیمان معرفی کرده و همچون پدر با آنها رفتار می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۰۶)

امام سجاد علیه السلام نیز در راستای محرومیت‌زدایی و کمک به ریشه‌کن کردن فقر در جامعه اسلامی، به شیوه‌های گوناگون و در حد توان خود، اقدام می‌کرد. از جمله، هزینه زندگی



صد خانواده تهیدست مدینه را عهده‌دار بود. گروهی از اهل مدینه، از غذایی که شبانه به دست‌شان می‌رسید، گذران معیشت می‌کردند، اما آورنده غذا را نمی‌شناختند. پس از شهادت علی بن الحسین علیه‌السلام بود متوجه شدند شخصی که شبانه مواد غذایی و خواروبار برای آنان می‌آورده، آن حضرت بوده است. امام سجاده علیه‌السلام در طول سال‌ها به قدری انبان حاوی آرد و دیگر مواد غذایی را به دوش کشید و شخصاً به در خانه فقرا برده بود که شانه حضرت کوفته شده و پینه بسته بود، به طوری که پس از شهادت آن حضرت، هنگام غسل دادن جنازه، این کوفتگی توجه حاضران را جلب کرد و وقتی از علت آن پرسیدند، پاسخ شنیدند که این، اثر حمل شبانه کیسه‌ها و انبان‌های پر از مواد غذایی به در خانه فقرا است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۳)

## ۱۰. توجه به زندانیان و خانواده آنان

ائمه اطهار علیهم‌السلام علاوه بر خدمات اجتماعی، به خانواده زندانیان توجه می‌کردند. ابی‌هاشم جعفری، از اصحاب امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل می‌کند: هنگامی که در زندان بودم، از تنگی زندان، فشار و سنگینی آهن، به امام شکایت کردم. حضرت به من نوشت: امروز نماز ظهر را در منزل خودت خواهی خواند. لذا هنگام ظهر آزاد شدم و چنان‌که امام فرموده بود، نماز ظهر را در خانه خود خواندم. او می‌گوید: چون در فشار و تنگدستی قرار داشتم، خواستم در نامه‌های که از زندان برایش نوشتم، کمکی بخواهم. خجالت کشیدم و ننوشتم؛ اما همین‌که به خانه رسیدم، حضرت مبلغ صد دینار برایم فرستاد و به من نوشت: هرگاه حاجتی داشتی، شرم و ملاحظه نکن و آن را بخواه که هر آنچه بخواهی به تو خواهد رسید. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۸ و طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۰)

از این موارد، در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام نمونه‌های فراوانی وجود دارد و می‌توان از سیره آنان، عدم غفلت از مشکلات و گرفتاری‌های خواص و تأمین نیازمندی‌های یاران را به بهترین وجه به دست آورد. آن بزرگواران با پوزش خواستن از آنچه عطا می‌کردند، نهایت تواضع در

حال بخشش را به نمایش می گذاشتند. از جمله وقتی حضرت علی علیه السلام خبردار شد که اموال سعید بن ابی سرح کوفی توسط زیاد بن ابیه مصادره شده و خانه اش را ویران ساخته است، در نامه ای به زیاد بن ابیه، از او خواست که اموال سعید را به وی برگرداند و خانه اش را دوباره از نو بسازند. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۹۴)

## ۱۱. آزادکردن بردگان

آزادکردن بردگان، از مستحبات مؤکد در اسلام است و اساساً برخورد رهبران الهی با موضوع بردگان، از همان روز نخست ظهور اسلام بر این مبنا بود که انسان ها را از زنجیر بندگی دیگران آزاد کنند و تحت عبودیت آفریدگار جهان دریاورند. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمِنَةً أَعْتَقَ اللَّهُ بِكُلِّ عَضْوٍ مِنْهَا عَضْوَالَهُ مِنَ النَّارِ؛ هر کسی بنده مؤمنی را آزاد سازد، خداوند در برابر هر عضوی از آن بنده، عضوی از شخص آزادکننده را از آتش جهنم آزاد می سازد». (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۴۲۱)

امام علی علیه السلام در این زمینه، همچون سایر خدمات و فضایل پیشگام بود و موفق شد از حاصل دست رنج خود و نه از بیت المال، هزار بنده را بخرد و آزاد سازد. امام صادق علیه السلام نیز به این حقیقت گواهی داده و فرموده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۴)

در جایی دیگر بیان شده که روزی کنیزی از کنیزان امام حسن مجتبی علیه السلام، دسته گلی را به عنوان هدیه خدمت ایشان آورد. حضرت آن هدیه را گرفت و فرمود: تو آزادی برای خدا. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸) در سیره اهل بیت علیهم السلام از این موارد، به فراوانی بیان شده است که در این نوشتار به صورت اختصار بیان گردید.

## نتیجه گیری

اهل بیت علیهم السلام در برآوردن حوائج مؤمنان و تأمین نیازهای آنان توجه ویژه ای داشتند. آنان

همانند برادری مهربان، در موارد بسیاری شخصاً به مشکلات مردم رسیدگی می‌کردند و همواره پناهگاه مادی و معنوی مردم بوده‌اند. چه بسا افرادی در درگیری با دستگاه ظلم، از ستم جباران گریخته و به آنان پناه آورده‌اند و ایشان نیز آنان را در پناه خویش قرار داده‌اند. اهل بیت علیهم‌السلام تمام تلاششان در برطرف کردن مشکلات جامعه اسلامی بود و هر کدام در این راستا فعالیت‌هایی داشتند. اهل بیت علیهم‌السلام دارای قلبی پاک، رئوف و پرمهر نسبت به مردم دردمند و نیازمند جامعه بودند. هر ناتوان، ضعیف و درمانده‌ای که در خانه آن حضرات را می‌کوبید، به او کمک می‌کردند. خانه ائمه اطهار علیهم‌السلام ملجأ و مأوای درماندگان، گرفتاران و حاجت‌مندان بود. هرکسی به نیتی به منزل آن حضرات وارد می‌شد و بسیار اتفاق می‌افتاد که قبل از اظهار گرفتاری و خواسته خود، امام از راز نهانی او خبر می‌دهد و گره از مشکلات زندگی‌اش باز کند. کمک‌های مستمر و همیشگی اهل بیت علیهم‌السلام شامل سالمندان، ایتام و خانواده‌های شهداء می‌شد و بخش عمده‌ای از موقوفات و صدقات اهل بیت علیهم‌السلام و اموال شخصی حضرات، به این امر اختصاص می‌یافت.

همچنین ائمه علیهم‌السلام با کار و کوشش، برای تأمین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان تلاش می‌کردند، تا آنجا که دست به احداث باغ می‌زدند، قنات حفر می‌نمودند و آن را در راه خدا وقف می‌کردند.

در نتیجه همراهی و یاری امامان، غبار غم از دل مردم زدوده می‌شد و با نشاط و سرور، از منزل اهل بیت علیهم‌السلام بیرون می‌رفتند. اهل بیت علیهم‌السلام به خدمات اجتماعی، با هدف تأمین نیازهای مسلمانان و پیشرفت و توسعه تمدن اسلامی، عنایت داشتند و خدمات اجتماعی گسترده‌ای را در جامعه اسلامی انجام می‌دادند. این امر، جزء سیره همه آن بزرگواران بود. از اهتمام و توجه به نیازمندان گرفته تا توجه به مشکلات مسلمانان، انفاق به فقرا و نیازمندان و توجه به وضع معیشتی مردم، تعاون و مواسات نسبت به مسلمانان، وقف بر خویشان و مستمندان، ساخت مساجد، آزادکردن بندگان و توجه به زندانیان و خانواده آنها و طرح محرومیت‌زدایی از جامعه مسلمانان، اینان برنامه اصلی و خدمات اجتماعی اهل بیت علیهم‌السلام

در دوران حیاتشان بود که جامعه شیعه را به رشد و خودکفایی برسانند. پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در حل مشکلات و تأمین نیازمندی‌های دیگران، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و با ابزار و وسایل گوناگون همچون نماز، دعا، وقف، صدقه، مواسات و کمک‌های مالی، گره از مشکلات مردم گشوده و نیازمندی‌های آنها را تأمین می‌کردند.

در نهایت، باید تأکید داشت که اهل بیت ﷺ در عرصه‌هایی همچون رسیدگی به تأمین نیازهای فقیران و مستمندان، از محل درآمد موقوفه‌هایی که از جدشان به آنها رسیده بود، حل اختلاف‌ها، برقرارکردن آشتی و صفا بین مسلمانان، حل مسائل اقتصادی مردم، حمایت از افراد و خانواده‌هایی که حاکمان، اعضای آن خانواده‌ها را به سیاه‌چال‌ها و زندان‌های طولانی برده بودند، فعالیت می‌کردند.

از موضوعاتی که بایسته است درباره آن، تحقیقی مجزا صورت پذیرد این موضوع است که اهل بیت ﷺ چه شیوه‌هایی را برای برطرف کردن فقر و محرومیت از جامعه اسلامی انجام می‌دادند؟ اهل بیت ﷺ با احیای فرهنگ کار و ضمن آنکه فعالیت اقتصادی داشتند، کار را مایه عزت دانسته و مردم را به آن تشویق می‌کردند. ایشان از دیگر سو، از درآمدها و صدقات یا موقوفاتی که در اختیار داشتند، به نیازمندان کمک می‌رساندند. به نظر می‌آید این موضوع، می‌تواند دستمایه انجام یک پژوهش در راستای تبیین خدمات اجتماعی اهل بیت ﷺ در فقرزدایی باشد.

## فهرست منابع

### قرآن مجید

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق و تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مكتبة آية الله مرعشی نجفی.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه، تحقیق و تصحیح: مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء للنشر.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۶ش، امالی، تهران: کتابچی.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۶ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵ق/ ۱۹۶۶م، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، المناقب آل ابیطالب علیهم السلام، قم: علامه.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۶ق، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب.
۹. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، عدة الداعی و نجاح الساعی، تحقیق و تصحیح: احمد موحدی قمی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. ابن منظور، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۱۱. إربلی، بهاء الدین، ۱۴۱۲ق، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۱۲. إربلی، بهاء الدین، ۱۳۸۲ش، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ترجمه: علی بن حسین زوارهای، تهران: اسلامیه.
۱۳. انوری، حسن، ۱۳۸۱ش، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱ق، المحاسن، تحقیق و تصحیح: جلال الدین محدث ارموی، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. پاینده، ابوالقاسم، بی تا، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.
۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، الهدایة الكبرى، بیروت: البلاغ.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۹. حموی، یاقوت، ۱۹۹۵م، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.

۲۰. حمیری معافری، ابن هشام، بی تا، السیرة النبویة، بیروت: دار المعرفة.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲ش، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۲. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، تحقیق و تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۲۳. طالب، مهدی، ۱۳۷۶ش، اصول و اندیشه‌های تعاونی تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۷ق، اعلام الوری بأعلام الهدی، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: آل البيت علیهم السلام.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۲۶. طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۳ق، دلائل الإمامة، تحقیق و تصحیح: قسم الدراسات الإسلامية البعثة، ط - الحديثة، قم: بعثت.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، تحقیق و تصحیح: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. عبدالمحمدی، حسین، ۱۳۹۷ش/۱۴۴۰ق، درآمدی بر سیره اهل بیت علیهم السلام، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ق، التفسیر، تهران: چاپخانه علمیه.
۳۰. قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۰ق، الانوار البهیة، ترجمه: محمد محمدی اشتهاردی، قم: ناصر.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، اصول الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. محدثی، جواد، ۱۳۸۱ش، پیامهای عاشوراء، قم: تحسین.
۳۴. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۰ش، منتخب میزان الحکمة، قم: دار الحدیث.
۳۵. مرعشی تستری، نورالله، ۱۴۰۹ق، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۸. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.